

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان شیراز در عصر زندیه

حسن الهیاری^۱، پژمان افخمی عمله‌قشقای^۲، امیرحسین حاتمی^۳

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱)

چکیده

با تأسیس حکومت زندیان اوضاع اجتماعی حاکم بر جامعه شهری شیراز متأثر از سیاست‌گذاری‌های هیئت حاکم به دوره جدیدی وارد شد. این تنوع اجتماعی سبب برخی تحولات در جامعه پایتخت شد. یکی از مهم‌ترین این نوع تحولات در این دوره، شکل‌گیری محله خراباتیان و فعالیت زنان روسپی در آنجا بود. به نظر می‌رسد این محله — که به دنبال برنامه‌های اجتماعی حکومت، فعالیت خود را آغاز کرد — تأثیرات مختلفی در ابعاد گوناگون جامعه شهری پایتخت برجای گذاشت. از این رو، مسئله پژوهش حاضر، بررسی علل ایجاد محله خراباتیان و پیامدهای اجتماعی آن در جامعه شهری شیراز عهد زندیه است. مقاله حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی مسئله مزبور پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنترل و مدیریت کنشگران سیاسی در شیراز، مدیریت جامعه بحران‌زده بعد از سقوط صفویه، انگیزه‌بخشی به کنشگران برای بهسازی و بازسازی شهر شیراز به علاوه گرایش کریم‌خان زند به این گروه از زنان، در ایجاد این محله مؤثر بوده است. از طرفی، مجموعه محله خراباتیان منبع درآمدی برای حکومت زند نیز محسوب می‌شد. از جمله پیامدهای اجتماعی ایجاد این محله می‌توان به اختلال در بنیان خانواده‌ها اشاره کرد. علاوه بر آن، این نوع فعالیت اجتماعی از آنجا که با رویکرد مذهبی و

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

* hasanallahyari@pgu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی (ره)، قزوین، ایران.

اجتماعی مردم مغایرت داشت، سبب بروز برخی رفتارهای ناهنجار عرفی و شرعی از سوی بخشی از جامعه پایتخت نیز شده بود.

واژه‌های کلیدی: شیراز، زندیه، اوضاع اجتماعی، محله خراباتیان، علل و پیامدهای شکل‌گیری.

مقدمه

کریم‌خان زند پس از اینکه شیراز را پایتخت خود کرد (۱۱۷۹ق) برای آبادانی آن تلاش‌های زیادی کرد. وی علاوه بر بازسازی و نوسازی بعضی از عناصر کالبدی شهر، به برخی امور عمرانی از جمله ساخت باغ، کاروان‌سرا، حمام و مسجد نیز پرداخت. این قبیل اقدامات خان زند در راستای سیاست اجتماعی وی صورت پذیرفت. کریم‌خان بعد از اینکه شیراز را پایتخت خود انتخاب کرد، گروه‌های مختلفی از جمله گروگان‌های سیاسی و سپاهیان و همین‌طور خانواده‌های آن‌ها را در شهر مزبور سکنی داد. از این رو، اقدامات وی در جهت‌های مختلف شهرسازی شیراز در راستای افزایش سطح کمی و کیفی پایتخت بود تا از این طریق ظرفیت جمعیت‌پذیری شهر را افزایش دهد. در ادامه برنامه‌های جمعیتی، خان زند برخی اقدامات را در راستای اوضاع اجتماعی پایتخت عملی کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی که رابطه وی را با طرح اجتماعی شیراز نشان می‌دهد، تشکیل محله خراباتیان و فعالیت زنان روسپی و رقاچه در شهر شیراز عهد زندیه بود. رونق این‌گونه فعالیت غیرشرعی در جامعه‌ای اسلامی با نوعی تضاد اعتقادی همراه بود و از این رو، فعالیت آن در پایتخت خوشایند به‌نظر نمی‌رسید. مردم ایران به‌طور عام و مردم شیراز به‌طور خاص دارای نوعی رویکرد مذهبی بودند که این‌گونه رفتارهای اجتماعی را نمی‌پذیرفتند، اما با وجود همه مسائل اجتماعی و فرهنگی، فعالیت مزبور در شیراز عهد زندیه رونق یافت. کریم‌خان با وجود مسائل متعدد فرهنگی و مذهبی — که از رشد خرابات‌خانه‌ها جلوگیری می‌کرد — این محله را احیا کرد و از این طریق، به گمان خویش، راهگشای بسیاری از مسائل سیاسی — اجتماعی شد (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، صص. ۳۵۶ - ۳۵۷). از این رو، مسئله پژوهش پیش‌رو بررسی دلایل ایجاد محله خراباتیان و همچنین، پیامدهای اجتماعی آن در شیراز

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

دوره زندگی است. در ضمن این بررسی و برای فهم بهتر، تشکیلات این محله نیز تشریح شده است.

در ارتباط با موضوع حاضر تاکنون پژوهش دقیق و قانع‌کننده‌ای صورت نپذیرفته است. مرتضی رواندی در کتاب *تاریخ اجتماعی ایران*، به موضوع حاضر به صورت خلاصه پرداخته است. همچنین، جان پری در مقاله «زندیان» به صورت خلاصه به وجود چنین محله‌ای در شیراز اشاره می‌کند و می‌نویسد که نقش ویژه‌ای در اقتصاد شهری و طرح اجتماعی پایتخت زندگی داشته است. غلامرضا وره‌رام در *تاریخ سیاسی، اجتماعی ایران در عهد زندیه* به این محله اشاره‌ای ندارد. پرویز رجبی در کتاب *کریم‌خان زند و زمان او* و عبدالحسین نوایی در کتاب *کریم‌خان زند* با توصیفی داستان‌وار و کوتاه به این مسئله اشاره کرده‌اند. به هر روی، هیچ‌یک از پژوهشگران مزبور به چگونگی و چرایی و همین‌طور به پیامدهای اجتماعی محله خراباتیان اشاره‌ای نکرده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند تا دلایل ایجاد محله خراباتیان، تشکیلات این محله و پیامدهای اجتماعی محله مزبور را در شیراز عهد زندیه تبیین و بررسی کند.

زمینه تاریخی تحولات نام محله خراباتیان

در ادوار مختلف تاریخی، برای اشاره به محل فعالیت زنان بدکاره، عنوان‌های متفاوتی به کار رفته است. در دوره آل بویه مقدسی (۱۳۶۱، ج. ۲ / ص. ۶۴۰) از این اماکن با عنوان فاحشه‌خانه یا خانه زنا یاد می‌کند. در دوره ایلخانی خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی (۱۹۴۰، ص. ۳۶۴) واژه «خراباتیان» را برای این نوع مکان‌ها به کار برده است. در دوره شاه تهماسب این نوع محلات و اماکن با واژه‌های «بیت‌اللطف» و یا «داراللطف» معرفی می‌شدند (شیرازی، ۱۳۶۵، ص. ۷۷؛ روملو، ۱۳۵۷، ص. ۳۲۳؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۱ / ص. ۲۲۶؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج. ۸ / ص. ۳۸۶، ۴۰۲). شاردن (۱۳۷۲، ج. ۱ / ص. ۲۱۶) محله زنان بدکاره را برای اینکه نقاب بر چهره خود نمی‌گذاشتند، «بی‌نقابان» می‌نامد، اما در دوره مورد بحث، یعنی دوره زندیه، منابع برای این نوع فضای اجتماعی از واژه خراباتیان استفاده کرده‌اند و رستم‌الحکما (۱۳۸۲، ص.

۳۴۰) در کنار این واژه از واژه «خیل‌خانه» نیز استفاده کرده است. منابع دوره اخیر به معانی لغوی که در این رابطه به کار برده شده است، اشاره نکرده‌اند.

پیشینه وجود محله خراباتیان

بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود اماکنی برای فعالیت زنان بدکاره در تاریخ ایران و شهر شیراز موضوع جدیدی نبوده است، زیرا به گزارش مقدسی در *احسن‌التقاسیم*، در دوره تسلط آل‌بویه بر شیراز، فاحشه‌خانه‌ها آزادانه فعالیت می‌کردند و مراجعان زیادی نیز داشتند. وی اشاره می‌کند که «فاحشه‌خانه‌ها در شیراز با جواز رسمی آشکار و پذیرفته شده‌اند. مردم همانند گرمابه بدانجا آمد و شد دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج. ۲/ ص. ۶۴۰، ۶۵۶). این اماکن در عهد ایلخانان نیز در شهرهای مختلف از جمله در خود شیراز فعالیت می‌کردند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲، ج. ۱/ ص. ۴۹۷؛ خطایی، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۶؛ راوندی، ۱۳۸۲، ج. ۷/ صص. ۴۸۵ - ۴۹۳، ۴۹۱). خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی (۱۹۴۰، ص. ۳۶۴) نیز در *تاریخ مبارک غازانی* در دوره ایلخانی به این موضوع می‌پردازد و به اوضاع نابسامان زنان روسپی و کنیزک‌انی که برای این نوع فعالیت‌ها فروخته می‌شدند، اشاره دارد. در این دوره غازان با وجود اینکه مانند ایلخان مسلمان سعی داشت فعالیت خراباتیان را منع کند، نتوانست بر مخالفت جوامعی که از سال‌ها پیش به این‌گونه فعالیت‌ها عادت داشتند غلبه کند. در دوره صفویه که حکومت بر پایه فقه شیعه اعلام موجودیت کرده بود، نشانه‌های زیادی مبنی بر وجود این پدیده دلالت می‌کنند. در همین رابطه آدام اولتاریوس (۱۳۶۳، ص. ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۹۱) اشاره می‌کند که در تمامی شهرهای ایران غیر از اردبیل، فاحشه‌خانه‌ها به‌طور رسمی وجود داشتند. همین منبع به بازار شبانه غیرمعارفی از همین دست زنان در شهر قزوین نیز اشاره می‌کند که رونق فراوانی داشته است. میکله ممبره که در دوره شاه تهماسب اول به ایران سفر کرده بود نیز به وجود روسپی‌های زیادی در شیراز اشاره می‌کند. وی در شرح همین مطلب به آزادی شراب در این شهر اشاره می‌کند که در هیچ شهری مثل شیراز چنین آزادی وجود ندارد. این جهانگرد به وجود فاحشه‌خانه‌هایی در لار نیز اشاره دارد (تطیلی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۰). همچنین، فاحشه‌خانه‌هایی در دوره صفویه در

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

اصفهان نیز وجود داشت که بعضی از سیاحان اروپایی از جمله آنتونی شرلی (۱۳۸۷، ص. ۱۴۷) و شاردن (۱۳۷۲، ص. ۴۲۹) به هنگام دیدار خود از اصفهان به آن اشاره می‌کنند. فارغ از منابع اروپایی، شاید بتوان روشن‌ترین نشانه از فعالیت چنین اماکنی را در ماجرای توبه شاه تهماسب در لابه‌لای حوادث سال ۹۳۹ یا ۹۴۱ ق مشاهده کرد. در این سال، شاه صفوی پس از توبه از زنا و لواط و مسکرات، طی اعلامیه‌ای عمومی، همه کارهای حرام شرعی از جمله فعالیت «بیت‌اللطف»‌ها یا همان فاحشه‌خانه‌ها را ممنوع می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۹، ص. ۷۷؛ روملو، ص. ۳۲۳؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۱/ ص. ۲۲۶). منابع ذکرشده این فعالیت‌ها را به لحاظ اقتصادی برای حکومت شاه تهماسب و دیگر ادوار حکومت صفوی مهم دانسته‌اند.

بازتاب موجودیت و فعالیت محله خراباتیان شیراز در منابع

منابعی که به موضوع خراباتیان در شیراز دوره زندیه پرداخته‌اند با رویکرهای متفاوتی به این واقعیت اجتماعی اشاره دارند. با توجه به نوع نگاه هرکدام از این منابع، می‌توان آن‌ها را در سه بخش شامل منابع دوره زندیه، منابع دوره قاجاریه و سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دسته‌بندی کرد.

منابعی که در دوره زمانی زندیه تا قاجاریه نوشته شده‌اند با نوعی نگاه هم‌دلانه به این پدیده اجتماعی پرداخته‌اند. محمدحاشم آصف رستم‌الحکما مؤلف *رستم‌التواریخ* اثر خود را در دوره زندیه و ادامه آن را در دوره قاجار تألیف کرده است. او با داوری مثبت به موضوع مزبور می‌پردازد. وی احیای این نوع فعالیت‌ها را که با قوانین مذهبی در تضاد بود، نوعی لطف کریم‌خان در حق مردم و سپاهیان می‌داند. نویسنده معتقد است خان زند برای شادی مردم و برای خنثی کردن اقدامات احتمالی گروگان‌های سیاسی در شیراز، دست به چنین اقدامی می‌زند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، صص. ۳۵۶ - ۳۵۷). محمدصادق موسوی اصفهانی (۱۳۶۳، صص. ۱۵۴ - ۱۵۵) مؤلف *تاریخ گیتی‌گشا* نیز از دیگر مؤلفان دوره زندیه است که به موضوع فاحشه‌خانه‌ها اشاره دارد. وی نیز از این قاعده هم‌دلانه مستثنی نبوده است و فعالیت روسپیان شیراز را در ساخت پایتخت و

عناصر جدید شهری مؤثر می‌داند. او جذابیت روسپیان و استفاده‌های جنسی بناها و کارگران را عامل مؤثری در روحیه آن‌ها می‌داند.

در دوره قاجاریه نیز با رویکردی ارزشی به این موضوع پرداخته شده است، اما نوع نگاه نویسندگان این دوره با دیدگاه منابع دوره زندیه کاملاً متفاوت است. در این عهد خلاف دوره زندیه به‌طور غالب و نه مطلق، این نوع فعالیت اجتماعی تقبیح شده است. البته، نوع نگاه مورخان این دوره نسبت به این امر اجتماعی در دوره زندیه لزوماً بیانگر اصلاح اخلاقی جامعه قاجار نیست، بلکه این نوع دیدگاه منفی نسبت به زندیان، از رقابت‌ها و اختلافات سیاسی دیرینه خاندان قاجار با خاندان زند نیز سرچشمه می‌گرفت، زیرا از یک‌سو همواره حرم‌سراهایی از پادشاهان قاجاری و زنان حاضر در آن از سوی مورخان همین دوره ثبت شده است که بیانگر اخلاق نامتعارف جنسی آن‌ها بوده است. از سوی دیگر، موضوع خراباتیان شیراز در دوره زندیه تنها موضوع مذمت‌شده از سوی مورخان دوره قاجار نیست و چه بسا دیگر گزارشات همین مورخان در ارتباط با زندیان همواره با دیدگاه منفی همراه بوده است. عبدالرزاق بیک دنبلی از جمله مورخان قاجاری است که به موضوع خراباتیان شیراز اشاره دارد. دنبلی در دوره کریم‌خان نیز حضور داشت، اما بیشتر گزارش‌های خود را در دوره قاجار تألیف کرده است. از این رو، همان‌گونه که اشاره شد، جریان اجتماعی مزبور را با نگاه منفی بررسی کرده است. وی (دنبلی، ۱۳۵۰، ج. ۲ / صص. ۴۳، ۴۷ - ۴۸) احیای این‌گونه فعالیت‌های ناهنجار اجتماعی را در اخلاق عشرت‌طلب کریم‌خان بررسی می‌کند و معتقد است که این امر سبب شد تا شیراز از دارالعلم به دارالعیس تنزل یابد. از دیگر مورخان این دوره که به موضوع مورد بحث اشاره کرده رضاقلی‌خان هدایت (۱۳۸۰، ج. ۹ / ص. ۷۲۰۰) است. وی نیز خراباتیان شیراز و فعالیت‌های آن را قبیح دانسته است.

دسته سوم از منابعی که به موضوع خراباتیان شیراز و موضوعات مربوط به آن در دوره زندیه اشاره کرده‌اند، سفرنامه‌های سیاحان اروپایی است. این منابع کم‌تر با نگاه ارزشی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. درواقع، منابع مزبور بیشتر با بی‌طرفی به موضوع خراباتیان اشاره کرده‌اند. از جمله این سیاحان در این دوره، ادوارد اسکات

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

وارینگ (۱۳۶۹، ص. ۲۰۲) است که به میزان درآمد بالای این گروه اشاره دارد و به دسته‌بندی این زنان مطابق با میزان درآمدی که داشته‌اند، اشاره می‌کند. کارستن نیبور (۱۳۵۴، ص. ۶۸) نیز از دیگر سیاحان این دوره است. وی به تصاویر زنان روسپی و بی‌حجاب اشاره دارد که تنها گزارشی ارائه و تحلیل شخصی خود را با آن همراه نکرده است. سرپرسی سایکس (۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۴۰۴) و سرجان ملکم (۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۵۳۹) از ناظران و شاهدان دوره قاجار بودند که به بحث خراباتیان در دوره زندیه اشاره کرده‌اند. این سیاحان نیز در گزارش‌های خود سعی کرده‌اند بی‌طرفی خود را حفظ کنند.

دلایل ایجاد محله خراباتیان

اگرچه اساساً در سنت تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی پرداختن به تاریخ اجتماعی و موضوعات غیرسیاسی چندان جایگاهی ندارد، اما ماهیت فعالیت محلاتی نظیر خراباتیان آن هم در یک جامعه مذهبی، مزید بر علت شده تا منابع عصر زند و قاجار در باب علل ایجاد این محله اطلاعات اندکی به‌دست دهند. با این حال، بر بنیاد همین اطلاعات اندک نیز می‌توان تا حدودی چشم‌انداز روشنی به‌دست آورد. به‌طور کلی ایجاد و گسترش این محله را می‌باید در چارچوب سیاست کلی کریم‌خان مبنی بر «بهبودی ساختاری شهری و رونق اقتصادی مبتنی بر الگوی سنتی» شهر شیراز ارزیابی کرد (متولی، ۱۳۸۹، صص. ۱۲۷ - ۱۳۰)، اما به‌طور خاص، بنا به گزارش رستم‌الحکما و دنبلی، کریم‌خان برای کنترل گروگان‌های سیاسی که از طوایف شورش بودند و در شیراز اسکان داشتند، اقدام به ایجاد محله خراباتیان کرد. درواقع، او سعی داشت از این طریق قدرت‌طلبی گروگان‌های سیاسی را خنثی کند. رستم‌الحکما (۱۳۸۲، صص. ۳۵۶ - ۳۵۷) در این زمینه این‌گونه می‌نویسد که خان زند حدود ۵ الی ۶ هزار نفر را در این محله جای داده بود (دنبلی، ۱۳۵۰، ص. ۴۳). ناگفته آشکار است که با وجود پذیرش اصل مطلب از رستم‌التواریخ، باید در رقم ارائه‌شده به دیده تردید نگریست.

مصحح تاریخ نگارستان ساخت محله‌ای مخصوص روسپی‌ها از سوی کریم‌خان را به‌نوعی توجیه می‌کند و سعی دارد از این اقدام وی حمایت کند. درواقع، او در لابه‌لای توجیه این پدیده علل ایجاد آن را نیز بیان می‌کند. او اشاره می‌کند زنانی که مایل به

شوهر کردن نبودند در این محله فعالیت می‌کردند و مردان بی‌زن از آلودگی به گناه دور بودند. او با رویکردی متفاوت به احیای این محله و فعالیت‌های آن در شیراز می‌پردازد. وی فعالیت روسپی‌ها را شادی‌بخش و پرکننده اوقات فراغت مردان و زنان مجرد می‌داند (غفاری کاشانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۲۰). علی‌رضا شیرازی (۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۵۳۹) مؤلف تاریخ زندیه نیز به نقل از سرجان ملکم موضع کریم‌خان را نسبت به ایجاد محله خراباتیان خوب جلوه می‌دهد. او اشاره می‌کند که کریم‌خان با وجود اینکه شخصی معتقد و مذهبی بود، اما در کار مذهب سخت‌گیر نبود و به راحتی و شادی رعایای خود اهمیت می‌داد. از این رو، شب‌ها به پشت‌بام می‌رفت و اگر صدای ساز و آواز و اسباب عیش و طرب می‌شنید از شادی مردم خوشحال می‌شد و شکر خدا را به جا می‌آورد و اگر شبی کم‌تر آوای چنگ و نای می‌شنید متأثر می‌شد و می‌گفت پیداست که امروز وزیر و کلانتر بر رعایای ما سخت گرفته‌اند. سپس به امور آن محله رسیدگی می‌کرد و خود برای شاد کردن آن محله اقدام می‌کرد و نوازندگان را مأمور می‌کرد که در آنجا بنوازند. این رویکرد خان زند مورد تأیید منابع دیگری نیز هست (هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹/ ص. ۷۲۱۰؛ سایکس، ۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۴۰۴). این گزارش‌ها نشان می‌دهد که تشکیل محله خراباتیان از سوی کریم‌خان با وجود اینکه مخالفان زیادی از جمله علما و روحانیت داشت (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۳۶۰؛ دنبلی، ۱۳۵۰، صص. ۴۴ - ۴۵) تا حدودی به خواست بخشی از مردم بوده است.

البته این‌گونه فعالیت اجتماعی مغایر با رویکرد دینی و مذهبی مردم ایران بود، لذا در بررسی دلیل این نوع اشتیاق باید به گذشته اجتماعی مردم ایران نیز توجه کرد. در سال‌های قبل از تشکیل قدرت زندیه حمله افغان‌ها و به‌دنبال آن سقوط حکومت صفویه، سبب بروز اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی شد و به بی‌خانمانی زنان بسیاری در شهرهای مختلف ایران منجر شد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، ص. ۳۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۷، صص. ۱۴ - ۱۵؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲، صص. ۵۷ - ۵۸؛ کروسینسکی، ۱۳۶۳، صص. ۵۵، ۶۹ - ۷۰؛ دروویل، ۱۳۷۰، صص. ۴۳ - ۴۴؛ اولیویه، ۱۳۷۱، صص. ۱۷۵ - ۱۷۶). مردم تحت تابع قدرت زندیه با چنین پیشینه اجتماعی وارد دوره صلح و آرامش شده بودند، لذا با احتیاط بیشتر و نه به‌طور قطع، می‌توان اشتیاق و

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

استقبال جامعه زنده را از فعالیت خراباتیان در شیراز با مشکلات روحی و اجتماعی گذشته آن‌ها مرتبط دانست؛ امری که شاید برای این مردم ستم‌دیده — که بعد از ورود افغان‌ها به ایران کم‌تر روزگار خوشی را سپری کرده بودند — می‌توانست مسرت‌بخش باشد، اما با قبول این احتمال باید فعالیت اجتماعی مزبور را — که با رویکرد مذهبی مردم مغایرت داشت — به‌نوعی تسکین‌دهنده خستگی‌ها و دردهای روزگار گذشته آن‌ها دانست و نه معالجه اجتماعی. چه‌بسا این روسپی‌ها و زنان رقاصه، زنان کنیزی بودند که در این آشوب به بردگی در می‌آمدند و از سوی تاجران و واسطه‌ها به شیراز آورده می‌شدند.

آنچه در این ارتباط اندکی مایه تردید و پرسش است، عدم درج واکنش علما و روحانیون نسبت به این اقدام است. در پاسخ به این پرسش می‌توان چنین آن را تحلیل کرد که کریم‌خان اگرچه به امنیت جانی و مالی روحانیت توجه داشت، اما دخالت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مهم و دنیای سیاست به‌شدت کاهش داده بود (نیبور، ۱۳۵۴، ص. ۲۰۸؛ فرانکلین، ۱۳۵۸، ص. ۵۵). او فقط برای برخی از روحانیون همچون امام جمعه، قاضی، شیخ‌الاسلام صدر و نایب صدر مستمری در نظر گرفت و زمانی که کارگزاران و دولتمردان از او خواستند برای طلاب علوم دینی نیز مستمری تعیین کند، این چنین پاسخ داد که ما وکیل دولت ایرانیم. از خود، اموالی نداریم که به ملاها و طلبه علوم بدهیم و از مالیات دیوانی که باید به خزانه وارد بشود، برای لشکرآرایی و مرزبانی و ایران‌مداری، چیزی به کسی نخواهیم داد. هرکس که خدمت به دولت ایران می‌کند، به او حقوق خواهیم داد (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، صص. ۳۲۲ - ۳۲۳). هرچند دیگر منابع دوره زنده به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند، اما با توجه به اینکه همین منابع اشاره‌ای به دخالت‌های روحانیون و علما در امور سیاسی ندارند، می‌توان تا حدودی به محدودیت‌های این طبقه در دوره زنده پی‌برد. همچنین، در جواب این خواسته کارگزاران دولتی می‌توان عنوان کرد که جماعت چهار گروه هستند؛ یا اهل زراعت یا اهل تجارت و یا اهل حرفه و کسب و یا اهل ملازمت^۱ هستند (همان؛ ورهرام، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۲ - ۱۰۳). به این ترتیب، می‌توان گفت فقدان قدرت دخالت روحانیون در

ساختار حکومت زند نیز نقش زیادی در سهولت تشکیل و ادامه فعالیت محله خراباتیان داشت.

مورخان دلیل دیگری نیز برای ایجاد محله خراباتیان و استقبال مردم از آن ذکر می‌کنند. بنا به این گزارش، امنیت، آرامش و ثروتی که در عهد کریم‌خان نصیب مردم شده بود، تمایل آن‌ها را برای رفت و آمد به چنین محله و خوش‌گذرانی بیشتر کرد. به زبان ساده‌تر، در نتیجه تجمل و آرامش خاطر، مردم بیشتر به سمت لذت‌گرایی و شادی گرایش یافتند. آن‌ها با عیش و طرب، شراب و تماشای رقص زیبارویان خود را مشغول می‌کردند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۳۵۷؛ شیرازی، ۱۳۶۵، ص. ۳۲؛ هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹/ ص. ۷۲۰۰). سایکس (۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۴۰۴) می‌نویسد: مردم اوقات بیکاری خود را در کنار ماهرویان سیمین‌تن گذرانیده و جام‌های درخشان شراب در میان آن‌ها در گردش بود و بر هر قلبی عشق و شادی حکم‌فرما بود، چنان‌که رستم‌الحکما (۱۳۸۲، ص. ۳۵۷) نیز به آن اشاره می‌کند.

علاقه شدید کریم‌خان به شراب، نشست و برخاست با زنان روسپی و رقاصه نیز تأثیر بسزایی در ایجاد محله خراباتیان و دادن مجوز به فعالیت‌های آن‌ها داشت (دنبلی، ۱۳۵۰، ج. ۲/ صص. ۴۷ - ۴۸). هدایت (۱۳۷۳، ص. ۲۷۲) و رستم‌الحکما (۱۳۸۲، ص. ۳۳۷) نیز به عشرت‌طلبی خان زند اشاره دارند. با این حال، این گزارش‌ها را نمی‌توان مطلق انگاشت، زیرا هم‌زمان گزارش‌های دیگری بر تعصب و تدین کریم‌خان زند دلالت دارد (هدایتی، ۱۳۳۴، ص. ۲۰۱).

برخی جانشینان کریم‌خان در شرب خمر و گذراندن وقت خود به خوشی و شادی دست‌کمی از خود کریم‌خان نداشتند؛ با این تفاوت که خان زند هیچ‌گاه در این کار آنقدر پیش نرفت که او را از اداره امور کشور غافل کند (ملکم، ۱۳۸۰، ج. ۲/ ص. ۵۳۹)، اما جانشینانش خلاف او بودند. پسر بزرگ وی، ابوالفتح‌خان — که پس از مرگ زکی‌خان بر مسند حکومت نشست — بیشتر وقت‌ها به خوش‌گذرانی می‌پرداخت (شیرازی، ۱۳۶۵، صص. ۳۸، ۳۹ - ۴۷). بعداً عمویش صادق‌خان به دلیل همین ضعف، وی را کنار زد و خود قدرت را به دست گرفت. علی‌مرادخان زند نیز به دلیل کثرت شرب شراب به مرض استسقا مبتلا شد و بعداً به دلیل همین بیماری درگذشت (همان؛

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹ / ص. ۷۲۵۲). مؤلف گیتی‌گشا نیز در مورد علی‌مرادخان چنین توصیفاتی ارائه می‌دهد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، ص. ۲۴۴).

نیبور (۱۳۵۴، ص. ۶۸) که به دیدار بیگلربیگی شیراز، یعنی به حضور صادق‌خان برادر کریم‌خان زند رسیده بود، اشاره دارد که در دیوان‌خانه ۱۰ عدد تابلوی نقاشی از انسان دیده است. یکی از تابلوها، تصویر زنی بود که تقریباً تا کمر برهنه بود و تابلویی دیگر زنی را نشان می‌داد که تقریباً لخت در حال حمام کردن بود. البته، تمام خاندان زندیه نیز شراب‌خوار و به دنبال ارتباط با زنان نبودند. چنان‌که زکی‌خان بعد از به قدرت رسیدن دستور داد خرابات‌خانه‌ها و میخانه‌ها را ویران کردند و خم‌های باده را شکستند و خراباتیان را دستور داد توبه کنند و مطربان را از کار منع کرد (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۴۴۳).

کریم‌خان فقط به ساخت محلی برای روسپی‌ها اکتفا نکرد. او که باور داشت سربازان در هنگام جنگ به‌خصوص نبردهای طولانی از خانه و کاشانه دور هستند و ممکن است از فرط شهوت به زنان سایر مردم در مسیرشان و یا جاهایی که اطراق می‌کنند تعرض کنند، همیشه به همراه اردوهای خود گروهی از روسپیان را به همراه داشت تا به وسیله این زنان شهوت سربازان خود را کنترل کند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، صص. ۳۴۵ - ۳۴۷). همچنین، هنگام هموار کردن بلندی‌های شیراز برای ساخت عمارت‌های مورد نظر، به دستور وی مطربان و رقاصان و شاهدان در آنجا حضور یافته بودند تا با دادن روحیه شادی و خوشی به کارگران، آن‌ها را به کار بیشتر ترغیب کنند (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، صص. ۱۵۴ - ۱۵۵).

بنا بر نقل منابع، عامل اقتصادی نیز در بنیان این محله نقش داشت. یکی از درآمدهای اصلی مالیاتی دولت، مالیات محله زنان بدکاره بود که درآمد و مالیات سنگین آن نقش ویژه‌ای در اقتصاد شهر شیراز داشت. ادوارد اسکات وارینگ در سفرنامه خود به مالیاتی که از زنان محله خراباتیان دریافت می‌شد این‌گونه اشاره می‌کند.

طبقه‌ای که بیش از همه مالیات می‌پردازند زن‌های رقاصه می‌باشند که تحت سرپرستی و قیمومیت دولت می‌باشند. نام و سن و دیگر مشخصات این افراد در

دفتر حکومتی ثبت است و چنانچه ازدواج نمایند بایستی اجزای^۲ دولتی از آن‌ها اطلاع داشته باشند. اینان به طبقات متعددی از دو تومانی تا پول سیاه درجه‌بندی می‌شدند و هر طبقه در خیابان‌های معینی زندگی می‌کنند. آنان علاوه بر اینکه مبالغ زیادی در عوض هم‌خوابی از مردانی که به محله خراباتیان مراجعه می‌کردند، دریافت می‌نمودند، معمولاً در مجالسی که از آنان دعوت می‌شد تا در آن‌ها برقصند نیز پول زیادی به‌عنوان دستمزد می‌گرفتند. علاوه بر آن، هدایایی نیز به‌خصوص در مجالس بزرگان به آنان داده می‌شد که گاهی اوقات ارزش بسیاری داشت (اسکات و ارینگ، ۱۳۶۹، ص. ۲۰۲؛ پری، ۱۳۸۷، ج. ۷، ص. ۱۳۴).

محله خراباتیان؛ موقعیت جغرافیایی و تشکیلات آن

موقعیت جغرافیایی محله خراباتیان

منابعی که به «خراباتیان» شیراز اشاره دارند، بیشتر آن را به‌صورت «محله خراباتیان» آورده‌اند، اما هیچ‌کدام از این منابع اشاره‌ای به مکان و موقعیت این محله نکرده‌اند. ادوارد اسکات و ارینگ (۱۳۶۹، ص. ۲۰۲) در گزارش‌های خود به این محله، تنها به این نکته اشاره می‌کند که زنان روسپی در شیراز مطابق با درآمدی که از فعالیت در خرابات‌خانه‌ها برای دولت به‌دست می‌آوردند در خیابان و کوچه مخصوصی زندگی می‌کردند. تنها منبعی که به موقعیت نسبی محله خراباتیان در شیراز اشاره می‌کند تاریخ نگارستان اثر قاضی احمد بن محمد غفاری کاشانی (۱۳۷۳، ص. ۴۲۰) است. مؤلف مزبور در دوره صفویه وفات یافته است، اما مصحح اثر وی، یعنی مدرس گیلانی در دوره پهلوی جریانات بعد از سقوط صفویه را تا دوره زندیه به این اثر افزوده است. مصحح این اثر بدون اینکه اشاره به منبعی کند و یا دلیل خاصی برای بیان خود داشته باشد، گزارش می‌دهد که کریم‌خان وکیل بیشتر روزگار را خوش می‌گذراند و مردم را نیز به خوش‌گذرانی وامی‌داشت. چنانچه در بیرون شهر شیراز سرایی بنیاد می‌گذاشت، زنانی که مایل به ازدواج نبودند در آن سرای جای می‌داد و برای آن‌ها پزشک و داروساز و چاکر و بزرگی که همه از او سخن شنوند آماده می‌ساخت. جوانان و جهانگردان که به آن خانه می‌رفتند هر یک به اندازه گذران با زیبایی آن زنان پولی به

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان...————— حسن الهیاری و همکاران

وی می‌دادند از آن رو، مردمان بی‌زن از گناه‌کاری دور بودند. منابع دیگر هرگز اشاره‌ای به موقعیت مکانی این محله در شیراز و یا خارج از آن ندارند.

تشکیلات محله خراباتیان

گزارش‌های منابع نشان می‌دهد که محله خراباتیان تشکیلات و قوانینی داشته است. این محله پزشک و داروساز داشت و همچنین، خدمه‌ای در آنجا کار می‌کردند. محله رئیسی داشت که بر کار اهل آن نظارت می‌کرد. این محله را «خیل» می‌خواندند و تعداد زیادی زن روسپی و رقاص در آنجا کار می‌کردند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۳۵۷؛ دنبلی، ۱۳۵۰، ج. ۲/ صص. ۴۴ - ۴۵؛ هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹/ ص. ۷۲۱۰؛ فلور، ۲۰۱۰، صص. ۲۱۱-۲۱۲). رقاصه‌های خیابان‌ها نیز به سرپرستی محله خراباتیان بودند. در وسط چهار بازاری که کریم‌خان بنا کرده بود سکویی بزرگی قرار داشت که مطربان و خوانندگان و رقاصان بر روی آن هنرنمایی می‌کردند. رقاصان زن بیشتر زمانی که دل مردان به‌خصوص ثروتمندان و دولت‌مردان را به‌دست می‌آوردند هدایایی گران‌بها نیز می‌گرفتند، مثلاً کریم‌خان وقتی با اشعار نصیحت‌آمیز یکی از رقاصان به‌نام ملافاطمه مواجه شد دهانش را بوسید و دهان او را پر از مروارید کرد و دستور داد طبقی از سیم و زر به او هدیه کنند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، صص. ۳۶۱، ۳۶۴).

نام و عنوان برخی از مشهورترین این روسپیان و رقاصه‌های محله خراباتیان از سوی رستم‌الحکما ثبت شده است. نام‌هایی که برخی از آن‌ها بیشتر شبیه لقب یا اسم مستعار است. نام آن‌ها عبارت‌اند از: گلنار، کشور، مرصع، ستاره، زهره، ماه‌پیکر، خورشید، ناهید، ماه‌سیما، پرزاد، ماه‌پاره، گل‌چهره، مایل، سروناز، شیرین، شکر، ملافاطمه، شاخ‌نات، آب‌حیات، قند مکرر، تذرو، طاووس، کبک‌خرامان، شیرین‌جان، نورافشان، ماه‌لقا، پری‌سیما، منیژه، منظر، نگارین، بلورین، نازدار، سنبل، یاسمن، شکوفه، ارغوان، شمشاد، نیلوفر، بنفشه، نرگس، نسترن، ریحان، سوسن، گلشن، گلزار، لاله‌زار، چمن، گلستان، بوستان، طوطی، صندل، مرمر، دلستان، روح‌بخش، ماهزاده، شاه‌پسند، پری‌خان، مشک‌افشان، عنبربو، صنوبر، مستانه، جانانه، همیشه‌بهار، حورزاد، زمرد، زبرجد، مرجان، مروارید و گوهر (همان، ص. ۳۵۸).

البته، زنان روسپی که دارای ویژگی‌های جسمی جذاب‌تری بودند، طبیعتاً سهم اقشار ثروت‌مندتر می‌شدند و هرچه این جذابیت کم‌تر می‌شد دسترسی طبقات فروتر و به‌ویژه کارگران به آن‌ها آسان‌تر می‌شد. بنابراین، کارکرد این محله به نحوی بود که تقریباً همه اقشار علاقه‌مند می‌توانستند به‌نحوی از آن بهره‌گیرند. با این حال، مشخص است که روسپی‌ها و رقاصه‌های زیبارو بیشتر از سوی ثروتمندان و دولتمردان، به‌خصوص خود کریم‌خان به خانه دعوت می‌شدند، زیرا دعوت آن‌ها به خانه خرج زیادی داشت و ضعفا و مردان بازاری خرده‌فروش از عهده این مهمانی‌ها بر نمی‌آمدند (همان، صص. ۳۵۷ - ۳۶۴؛ غفاری کاشانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۱۹؛ هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹/۱ ص. ۷۲۱۰)، مثلاً شبی در مجلس بزم و رقص کریم‌خان مشاهده کرد یکی از رقاصه‌ها ناراحت است. دلیل را جویا شد. آن رقاصه عنوان کرد مردی سبزی‌فروش بازاری بر او نظر دارد و با جمع کردن مقداری پول بعد از مدت‌ها پس‌انداز از وی درخواست کرده بود امشب به خانه او برود، اما مأموران دولتی او را به‌زور به محفل خان آوردند، در حالی که او دل در رفتن به خانه آن مرد بازاری دارد. کریم‌خان نیز دستور داد مقداری پول و شراب به آن زن بدهند و او را به خانه آن مرد بازاری ببرند (غفاری کاشانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۱۹؛ هدایت، ۱۳۸۰، ج. ۹/۱ ص. ۷۲۱۲). به همین ترتیب، کارگران و طبقات ضعیف‌تر جامعه معمولاً به سراغ «رامشگران سیار» می‌رفتند (هدایتی، ۱۳۳۴، ص. ۲۲۱؛ افسر، ۱۳۵۳، ص. ۱۸۲).

رقاصه‌ها، نوازنده‌ها و خوانندگان به‌خصوص در مجالس عروسی مردم عادی، بزرگان، شاهزادگان و فرزندان بزرگان در ایجاد فضایی فرح‌انگیز و شاد نقش بسزایی داشتند. روز اول عروسی رقاصان و مطربان در بازارها و کوچه‌ها می‌زدند و می‌رقصیدند و از روز دوم به بعد به‌مدت هفت‌روز در دربار برای سرگرمی و شادی دولتمردان و درباریان فعالیت می‌کردند. توصیفی که منابع این عصر از مجالس عروسی شاهزادگان زند به تصویر می‌کشند گویای همین حقیقت است (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹، صص. ۳۶۹، ۲۹۴ - ۲۹۵؛ فرانکلین، ۱۳۵۸، صص. ۳۴ - ۳۷).

پیامدهای اجتماعی ایجاد محله خراباتیان

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان...————— حسن الهیاری و همکاران

اگرچه احیای پدیده خراباتی‌گری و محله خراباتیان با عاملیت مستقیم حاکمان زندی، از نگاه عاملان آن مبتنی بر ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی بوده است، اما در هر صورت فعالیت محله خراباتیان، پیامدهای اجتماعی متعددی برای جامعه شیراز سده دوازدهم هجری به دنبال داشت. به گونه‌ای که داده‌های تاریخ نگارستان به محقق اجازه تفسیر می‌دهد، مراجعان محله خراباتیان هم از اهالی خود شیراز (بیشتر جوانان) بودند و همچنین، از خارجیان (کسانی که از خارج شیراز وارد شهر می‌شدند چه ایرانی و چه غیرایرانی) بودند. بنابراین، این داده‌ها نشان می‌دهند چه‌بسا مردان شهرهای دیگر که چنین محله‌ای در شهرشان وجود نداشت، برای رابطه جنسی با روسپی‌ها به شیراز مسافرت می‌کردند (غفاری کاشانی، ۱۳۷۳، ص. ۴۲۰). البته، مؤلف رستم‌التواریخ (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۳۵۷) بی‌پرده عنوان می‌کند همه مردم شیراز چه مردم عادی و چه دولتمردان در این بزم‌ها شرکت می‌کردند هدایت (۱۳۸۰، ج. ۹/ ص. ۷۲۱۰) در روضه‌الصفای ناصری به نوعی گزارش هر دو مورخ ذکرشده را در هم ادغام و بیان می‌کند. وجود افراد مختلف از شهرهای مختلف به قصد رابطه جنسی با روسپی‌های خرابات‌خانه‌ها به رخداد خطایی اشاره دارد که مردان و زنان برای لذت جنسی به آن روی می‌آورده‌اند.

روشن است انجام چنین تفریحاتی در این محله مشکلات عدیده خانوادگی و زناشویی را ایجاد می‌کرد که پیامدهای ویرانگر و مخربی برای یک جامعه اسلامی به همراه داشت (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲، ص. ۳۵۷). به گونه‌ای که دنبلی (۱۳۵۰، ص. ۴۳) این فرایند را در قالب تبدیل دارالعلم به دارالعیش شیراز به تصویر می‌کشد. متأسفانه گزارشات منابع به توده مردم اشاره‌ای ندارند و یا بسیار کم اشاره می‌کنند. از این طریق، بررسی تبعات چنین محله‌ای برای توده مردم کم‌تر با شواهد تاریخی مستند می‌شود، اما با توجه به نوع رویکرد اسلامی ایرانیان نسبت به خانواده و افراد جامعه، می‌توان تبعات این‌گونه فعالیت‌ها را در بین مردم حدس زد. شریعت اسلامی این گونه فعالیت‌ها را به‌طور قطع تقبیح و ممنوع می‌کرد. از این رو، دیدگاه بیشتر مردم نسبت به این گونه فعالیت‌ها، منفی بوده است. در پی آن این‌گونه افراد، یعنی مشتریان روسپی بسیاری از

جایگاه‌های برتر اجتماعی را — که کانون خانواده در رأس آن قرار داشت — از دست می‌دادند.

به‌دستور کریم‌خان زنان رقاصه و آوازه‌خوان برای شادی و شغف کارگران می‌رقصیدند و می‌نواختند، آن هم برای مردانی که از شهرهای دیگر به استخدام دولت درآمده بودند تا طرح‌های عمرانی کریم‌خان را انجام بدهند.

مقرر شده بود که فوج فوج مغنیان نغمه‌پرداز و مطربان برپنواز و موسیقی‌دانان موسیقار ساز قدم به قدم بساط نشاط و اسباب مسرت و انبساط گسترده و عملة مذکوره در کمال عیش و سرور و نهایت بهجت و سرور به شغل مزبور مشغول باشند ... و هر ساعتی از آن اوان عشرت‌اندوز چون ایام جوانی می‌گذشت (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، صص. ۱۵۴ - ۱۵۵؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲، ج. ۱/ ص. ۶۰۹).

این پدیده می‌توانست بعداً در روابط اجتماعی و باورهای دینی آن کارگران تأثیر سوئی به‌جا بگذارد. کریم‌خان با نزدیک کردن کارگران و بنایان به خرابات‌خانه‌ها و مرتبط ساختن آن‌ها با روسپی‌ها در کوتاه‌مدت نتایج خوبی کسب می‌کرد. به سخن دیگر، خان زند با این اقدام کارگران را از نیاز جنسی فارغ می‌کرد و این امر به‌نوبه خود سبب تمرکز بیشتر آن‌ها به کار و ساخت‌وساز می‌شد.^۳ این امر شاید دقت و ظرافت بناهای کریم‌خانی را بیشتر می‌کرد و از طرف دیگر، سرعت عمل آن‌ها را بالا می‌برد، اما از دیگر سو، این فعالیت عواقب جبران‌ناپذیر اخلاقی - اجتماعی برای کارگران عمرانی داشت که بعدها آن‌ها را در ارتباط با خانواده و زنان و فرزندانشان دچار مشکل می‌کرد و هرزگی را برای آن‌ها به همراه داشت.

در این دوره با ایجاد محله خراباتیان و فعالیت آشکار آن‌ها در جامعه می‌توان گمانه‌زنی کرد که تا حدودی در روابط زنان و مردان آزادی ایجاد شد که برخی از آن با عنوان بی‌بندوباری و لهو و لعب یاد می‌کنند. این آزادی تا اندازه‌ای می‌توانست به کاهش ازدواج‌ها دامن بزند، زیرا همان‌طور که گفته شد، بخش بزرگی از کسانی که به محله خراباتیان رفت و آمد می‌کردند از جوانان بودند و یکی از فلسفه‌های ایجاد این محله نیز سرگرم کردن مردان مجرد بود. اگرچه شواهد زیادی در منابع مبنی بر ارتباط

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان... حسن الهیاری و همکاران

نامشروع زنان و مردان متأهل نیست، اما همین گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد گاهی اوقات این آزادی واقعاً به خیانت و بی‌ویندوباری منجر می‌شده است، مثلاً زن یکی از قاپوچی‌باشی‌ها (رئیس دربان شاهی) عاشق طاهر میرزا خواهرزاده کریم‌خان شده بود. در نهایت نیز با نیرنگی جوان را به خانه خود کشانید و در هنگام معاشقه شوهرش از راه رسید. طاهرخان، قاپوچی‌باشی بدبخت را با ضربتی به زمین انداخت و به معاشقه خودشان ادامه دادند. قاپوچی‌باشی به کریم‌خان شکایت کرد. خان بیان کرد زن تو با همه سروسری دارد. بهتر است او را طلاق دهی من خودم برایت زنی عفیفه اختیار می‌کنم. قاپوچی‌باش عنوان کرد چگونه است که همه او را می‌خواهند و من او را نخواهم. کریم‌خان که از عمل بی‌شرمانه خواهرزاده‌اش ناراحت بود او (طاهرخان) را تا دم مرگ کتک زد و دولتمردان زمانی توانستند طاهرخان را نجات دهند که به خان گفتند او مرده است (نوایی، ۱۳۸۴، صص. ۲۱۱ - ۲۱۲). این نوع گزارش تاریخی هرچند در تاریخ اجتماعی زندیه معدود و انگشت‌شمار است، ولی کمی این‌گونه گزارش‌ها دلیل بر کمی عمل آن در جامعه شهری شیراز نیست. از آنجا که تاریخ‌نگاری این دوره به‌مانند دوره‌های پیش از خود بیشتر سیاسی - رسمی بوده است و نه مردمی. می‌توان وجود چنین گزارشی را در دربار کریم‌خان به بیشتر افرادی که با این‌گونه مسائل در ارتباط بودند تعمیم داد. به عبارت دیگر، هرچند نتیجه گرفتن از این گزارش، محدودیت جامعه آماری را آشکار می‌کند، ولی دلیل این محدودیت جامعه آماری از نقصان گزارش‌های منابع است نه محدودیت این‌گونه اتفاقات.

رستم‌الحکما (۱۳۸۲، ص. ۳۵۷) به‌درستی می‌نویسد محله خراباتیان بسیاری از مردان متأهل را به‌سوی خود کشانیده بود تا جایی که از اهل و اعیال خود غافل شده بودند. خود کریم‌خان روابط مردان با زنان را می‌پسندید، اما خیانت و هرزگی و لودگی را در این زمینه نمی‌پسندید، مثلاً در مجلس عروسی پسرش ابوالفتح‌خان، هنگامی که یکی از غلامان به چشم سوء به یکی از زنان اشراف و بزرگان نگاه می‌کرد کریم‌خان متوجه شد و در برابر دیدگان همه وی را به قتل رسانید و عنوان کرد سزای خیانت همین است (نوایی، ۱۳۸۴، ص. ۲۱۳). گزارش رستم‌الحکما پیامد منفی دیگری از فعالیت خرابات‌خانه‌های شیراز است. وجود این‌گونه فعالیت‌های غیراخلاقی در میان

افرادی که با رویکرد اسلامی زندگی می‌کردند و از افراد خانواده خود نیز همین توقع را داشتند، می‌توانست سبب لغزش آن‌ها از دیدگاه دینی‌شان شود. با رخداد این ناهنجاری اجتماعی، لودگی و هرزگی در بین زنان و مردان خانواده‌ها شیوع پیدا می‌کرد. امری که کاملاً خارج از هنجار اجتماعی و رویکرد مذهبی آن‌ها بود. از این منظر روشن بود فعالیت خراباتیان در جامعه اسلامی مخالف با شرایع و دیدگاه‌های افراد معتقد بود. بنابراین، این وضعیت می‌توانست در نهایت، به تضادهای عقیدتی در جامعه شیراز منتهی شود.

عادی شدن طرب و شادی، نوشیدن شراب و ارتباط با زنان رقاصه و روسپی تا اندازه‌ای هم به سقوط جایگاه مذهب منجر شد. چنان که دنبلی (۱۳۵۰، ج. ۲/ صص. ۴۴ - ۴۵) نیز بر آن تأکید دارد، مثلاً دراویشی که به گفته تاورنیه (۱۳۸۳، ص. ۳۴۵) در عصر صفویه در صومعه، پیر بنو، در دو فرسخی شیراز اقامت داشتند اهل زهد و پرهیزگاری بودند، اما قلیان می‌کشیدند، در حالی که به گزارش هدایت (۱۳۸۰، ج. ۹/ ص. ۷۲۱۱) برخی دراویش شیراز در زمان زندیه باده‌خوار بودند. بر اساس همین منبع روزی درویشی معتاد و باده‌خوار نزد کریم‌خان رفت و درخواست کرد تا برای وی نیز تکیه‌ای بسازند تا فقرا و درویشان در آن بیارامند. یکی از دولتمران برآشفست و بیان کرد برای این طایفه باده‌خوار چرا تکیه درست کنیم، اما کریم‌خان دستور داد تا برای وی نیز تکیه‌ای ساختند و به گزارش هدایت تا زمان مؤلف هم چنان پا برجا بوده است.

نتیجه

اگرچه پرداختن به مقوله زنان روسپی بنا بر سرشت اجتماعی خود همراه با فقر شدید منابع در تاریخ ایران است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، پدیده فعالیت زنان بدکاره و اماکنی برای عرضه این خدمات در جامعه ایران امری مسلم و قطعی بوده است که شواهد متعدد از جمله اشاره متون تاریخ‌نگاری ایرانی و سفرنامه اروپاییان به ایران به‌خصوص در عصر صفوی گویای این حقیقت است. این سابقه شامل شهر شیراز تا پیش از برآمدن حکومت زند نیز می‌شد. حکومت زند میراث‌دار حکومت صفویه بود. به همین خاطر پدیده زنان روسپی — که امری اثبات‌شده در عصر صفوی است — به

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان...————— حسن الهیاری و همکاران

این دوران نیز منتقل می‌شود. از طرفی حکومت زند حامل پیامدهای اجتماعی سقوط صفویان نیز بود. سقوط صفویه جامعه ایران را دچار بحران درازدامنی کرد. به نظر می‌رسد همین مسئله در تداوم رسم روسپی‌گری چه در میان زنان کنشگر این پدیده و چه مردان متقاضی آن در پایتخت زندیان، شیراز، تأثیر داشته است. علاوه بر آن، بنا بر شواهد موجود در منابع، تمایل شخصی خاندان حکومت‌گر زند به این مقوله، به علاوه کمک به سیاست کنترل معارضان سیاسی و پیشبرد اهداف عمرانی کریم‌خان زند در شیراز نیز در بنیان محله خراباتیان نقش داشته است. همچنین، فعالیت این محله که بنا بر نقل منابع سازوکاری برای اداره داشت و از سوی حکومت کنترل و اداره می‌شد به منزله منبع درآمدی برای حکومت زند نیز تلقی می‌شد.

البته، باید به این نکته مهم اشاره کرد که کریم‌خان احتمالاً در ایجاد این محله انگیزه‌های صرفاً شخصی نداشته است. بدین معنا که احداث این محله تنها مبتنی بر تمایلات عشرت‌طلبانه کریم‌خان نبوده است، زیرا او حاکم مطلق بود و هرچه اراده می‌کرد برایش فراهم بود. پس او احتمالاً انگیزه‌های اجتماعی داشته که در ظاهر منطقی به نظر می‌رسید، اما شاید او به پیامدهای رواج بی‌حساب و کتاب خراباتی‌گری واقف نبوده است. به نظر می‌رسد کریم‌خان قصد داشت با این کار و به گمان خودش به نوعی افسردگی‌های اجتماعی ناشی از ده‌ها سال نابسامانی، جنگ و ستیز و نیز هیجانات جنسی یک جامعه سنتی را تخلیه کند، اما غافل از این بود که رواج خارج از قاعده این امر چه پیامدهای نامناسبی دارد. تزلزل بنیان خانواده‌ها، سقوط اخلاقی جامعه و بروز تعارض در رفتار اجتماعی مردم و شریعت اسلام، از پیامدهای تشکیل این محله در دوره زندیه و در شیراز بوده است، به طوری که بنا بر نقل منابع بعد مذهبی شیراز در این عصر تضعیف شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. کارمند دولت.
۲. کارمندان دولتی که به امور محلات می‌پرداختند.
۳. طبق نظریه دیوید روبن رابطه جنسی و تمام وقایع مربوط به آن جذاب، تحریک‌کننده و مهیج هستند. این وقایع زندگی روزمره افراد را سرشار از حرارت و زنده‌دلی می‌کند تا با انرژی بیشتری

مشغول به کارهای روزمره خود شوند. همچنین، وی معتقد است مردان و زنانی که از بیشتر فعالیت‌های دیگرشان هم‌چون کار کردن و گرداندن خانواده کناره‌گیری کرده‌اند بیش از پیش به روابط جنسی نیاز دارند تا بتوانند با روحیه جدید و انرژی بیشتر به آن‌ها بپردازند. دیوید روبن، *دانستنی‌های جنسی و زناشویی*، ترجمه ماندانا گودرز دشتی، تهران: تلاش، ۱۳۸۱، صص. ۴۱۱ - ۴۱۲.

منابع

- استرآبادی، م. م. (۱۳۷۷). *جهانگشای نادری*. به تصحیح ع. انوار. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسکات وارینگ، ا. (۱۳۶۹). *سفرنامه اسکات وارینگ؛ مسافرت به شیراز*، در ده سفرنامه. ترجمه م. امیری. تهران: وحید.
- افسر، ک. (۱۳۵۳). *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: انجمن آثار ملی.
- اولثاریوس، آ (۱۳۶۳). *سفرنامه اولثاریوس*. ترجمه ا. بهپور. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- اولیویه، ا. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه م. ط. میرزا. تحقیق و تصحیح غ. ر. ورهرام. تهران: اطلاعات.
- پری، ج. (۱۳۸۷). *زندیان، در تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)*. ترجمه م. ثاقب‌فر. تهران: جامی.
- تاورنیه، ز. ب. (۱۳۸۳). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ح. ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- تطیلی، ر. ب.، تنرو، آ.، و ممبره، م. (۱۳۹۳). *سه سفرنامه*. ترجمه ح. جوادی و و. فلور. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- حسینی فسایی، ح. (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. تهران: امیرکبیر.
- حسینی قمی، ق. ا. (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*. تصحیح ا. اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
- خطایی، ع. ا. (۱۳۷۲). *خطای‌نامه*. به تصحیح ا. افشار. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- دروویل، گ. (۱۳۷۰). *سفر در ایران*. ترجمه م. اعتماد مقدم. تهران: شباهیز.
- دنبلی، ع. (۱۳۵۰). *تجربه‌الاحرار و تسلیه‌الابرار*. به تصحیح ح. قاضی طباطبایی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

علل و پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری محله خراباتیان...————— حسن الهیاری و همکاران

- راوندی، م. (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه.
- رستم‌الحکما، م.ه.آ. (۱۳۸۲). *رستم‌التواریخ*. به تصحیح م. مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- روملو، ح. (۱۳۵۷). *احسن‌التواریخ*. به اهتمام ع. نوایی. تهران: بابک.
- سایکس، س. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران*. ترجمه س. م.ت. فخر داعی گیلانی. تهران: افسون.
- شاردن، ژ. (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. ترجمه ا. یغمایی. تهران: توس.
- شرلی، آ. (۱۳۸۷). *سفرنامه برادران شرلی*. ترجمه آوانس. تصحیح ع. دهباشی. تهران: نگاه.
- شیرازی، ع. (۱۳۶۵). *تاریخ زندیه (جانشینان کریم خان زند)*. تصحیح ا. بئیر. تهران: گستره.
- غفاری کاشانی، ا. (۱۳۷۳). *تاریخ نگارستان*. تصحیح م. مدرس گیلانی. تهران: کتابفروشی حافظ.
- فرانکلین، و. (۱۳۵۸). *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*. ترجمه م. جاویدان. تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
- فلور، و. (۲۰۱۰). *تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران*. ترجمه م. مینو خرد. استکهلم: فردوسی.
- کروسینسکی، ت.ی. (۱۳۶۳). *سفرنامه کروسینسکی*. ترجمه ع. دنبلی مفتون. تصحیح م. میراحمدی. تهران: توس.
- متولی، ع. (۱۳۸۹). *اهمیت و جایگاه پایتخت در نظامات فکری - اجرایی کریم‌خان زند*. *تاریخ ایران*، ۷.
- مرعشی صفوی، م. خ. (۱۳۶۲). *مجمع‌التواریخ*. تصحیح ع. اقبال. تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- مقدسی، م. (۱۳۶۱). *احسن‌التقسیم فی معرفه‌الاقالیم*. ترجمه ع. ن. منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ملکم، س. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. ترجمه م.ا. حیرت. تهران: افسون.
- موسوی اصفهانی، م. ص. (۱۳۶۳). *تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه*. تصحیح س. نفیسی. تهران: اقبال.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- نوایی، ع. (۱۳۸۴). کریم‌خان زند. تهران: علمی و فرهنگی.
- نیبور، ک. (۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیبور. ترجمه پ. رجبی. تهران: توکا.
- هدایت، ر. ق. (۱۳۷۳). فهرس‌التواریخ، به تصحیح ع. نوایی و م. ه. محدث. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت، ر. ق. (۱۳۸۰). روضه الصفای ناصری. تصحیح ج. کیانفر. تهران: اساطیر.
- هدایتی، ه. (۱۳۳۴). تاریخ زندیه. تهران: دانشگاه تهران.
- همدانی، ر. ف. (۱۹۴۰م). تاریخ مبارک غازی. تصحیح ک. یان. هرتفرد: استفن اوستین.
- ورهرام، غ. ر. (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عهد زندیه. تهران: معین.

Social causes and consequences of the forming Kharabatian neighborhood of Shiraz in the Zand era

**Hasan Allahyari*, Pezhman Afkhami Amale Ghashghayi, Amir
Hossein hatami***

Received: 29/06/2020 Accepted: 01/09/ 2020

Abstract

Upon the establishment of Zand government, social situation of Shiraz urban community which was affected by the ruling board entered a new phase. This social diversity led to some changes in the capital. One of the most important changes at this time was the formation of Kharabatian neighborhood and the activities of prostitutes therein. The neighborhood which started its activities following the social plans of the government left behind different changes in many aspects of the urban society of the capital. Therefore, the aim of the present study is to investigate the causes for the formation of this neighborhood and its social consequences in the urban society of Shiraz in the Zand era. The study followed a descriptive-analytical method and used the library data to investigate the research problem. The findings show that controlling and managing the political activists in Shiraz, managing the crisis-stricken society after the fall of Safavids, encouraging the activists to reconstruct and improve Shiraz along with the positive attitude of Karim Khan Zand to this group of females all were involved in the development of this neighborhood. Moreover, the whole kharabatian neighborhood provided a good income resource for the Zand government. One of the social consequences of creating this neighborhood is the disorder in the foundation of families. In addition, since this kind of social activity was in contrast with the social and religious beliefs of the people, it created some popular and legal abnormalities by some parts of the capital society.

Keywords: Shiraz; Zand era; Social situation; Kharabatyan neighborhood; causes and consequences of formation.

1. Assistant Professor, Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran (Corresponding author). E-mail: hasanallahyari@pgu.ac.ir.

2. PhD student in post-Islamic Iranian history, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

3. Faculty member of Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

